###### 28

###### آزاد.jpeg

###### دانشگاه آزاد اسلامي

###### واحد تهران مرکز

**موضوع:**

مقدمه اي بر صنعت نساجي و مشكلات و بحران هاي مربوط به آن در ايران

فهرست مطالب

1. مقدمه اي بر صنعت نساجي و مشكلات و بحرانهاي مربوط به آن در ايران 6
	1. تاريخچه صنعت نساجي در ايران 7
	2. مشكلات و بحران در صنعت نساجي 9
	3. علل وجود بحران در صنايع نساجي ايران 11
	4. لزوم بهبود وضعيت موجود 12

1-4-1- تقاضا (بررسي بازار) 12

1-4-2- بازار مصرف و تولدي داخلي كشور 15

1-4-3- واردات پارچه ثبت شده 16

1-4-4- عرضه، تقاضا و توليد ماشين هاي بافندگي 17

1-4-5- عرضه 18

1-4-6- افق سرمايه گذاري در ايران 19

1-4-7- علل عدم سرمايه گذاري 20

* 1. مشكلات صنعت نساجي در حال حاضر از ديدگاه مديران اين صنعت 21
	2. طبقه بندي مشكلات صنعت نساجي با توجه به نظريه فشارهاي تجاري 22
	3. بررسي و تجزيه و تحليل فشارهاي تجاري

1-7-1- ورود قاچاق پاچه به كشور 23

1-7-2- ورود محصولات مشابه توسط برخي از سازمان ها 23

1-7-3- اخذ عوارض و ماليات هاي متعدد و مكرر 27

1-7-4- وجود قوانين ضد و نقيض 27

1-7-5- پرسنل مازاد 27

1-7-6- قيمت گران مواد اوليه 28

* 1. بررسي و تجزيه و تحليل غشارهاي تكنولوژيكي 28

1-8-1- كهنگي و قدمت ماشن آلات 28

1-8-2- عدم توان رقابت با كالاهاي خارجي 29

1-8-3- عدم تناسب تكنولوژي كارخانه ها با فرهنگ مدخواهي و سيستم سفارشي 29

1-8-4- عدم وجود طراحان و بخش طراحي كارآ 30

1. تجهيزات و ماشين آلات نساجي 31
	1. نگاهي به آمار ماشن آلات نساجي در جهان 32

2-1-1- آمار ماشين آلات بافندگي حمل شده در سالهاي 2001-1992 32

ميلادي و نصب شده در سال 2000 ميلادي به كشورهاي مختلف جهان

2-1-2- آمار ماشين آلات بافندگي حمل شده به قاره هاي مختلف 36

در سال 2001 ميلادي

2-1-3- آكار ماشين آلات كشباف تخت حمل شده در سال 40

2001 ميلادي به نقاط مختلف جهان

* 1. نتيجه گيري 44
1. مواد اوليه مصرفي در صنايع نساجي توليد ايران و وارداتي 46
	1. يكنواختي نخ در بهبود صنايع نساجي 47

3-1-1- تعريف 48

3-1-2- اهميت يكنواختي 48

3-1-3- دسته بندي نايكنواختي 51

3-1-3-1- عيوب متناوب 52

3-1-3-2- عيوب نامتناوب 52

3-1-4- تاثيرات نايكنواختي 53

3-1-4-1- اثرات نايكنواختي بر خواص نخ 53

3-1-4-2- تاثير يكنواختي بر عملكرد پروسه تبديل نخ به پارچه 54

3-1-4-2-1- بوبين پيچي 54

3-1-4-2-2- چله كشي 54

3-1-4-2-3- آهار 55

3-1-4-2-4- بافندگي 55

3-1-4-3- تاثير يكنواختي بر كيفيت پارچه 56

3-1-5- عوامل ايجاد كننده نايكنواختي 57

3-1-5-1- مواد اوليه 57

3-1-5-2- مراحل ريسندگي 57

* 1. مشكلات (و معضلات) پنبه در صنعت نساجي داخلي 60

3-2-1- واردات پنبه ضربه اي به توليد داخلي يا حمايت از نساجي؟! 60

3-2-2- وضعيت نابسامان پنبه ايران 63

3-2-3- بررسي موانع و مشكلات و چالشهاي وضع موجود 67

3-2-3-1- شواهدي از مشكلات كشت پنبه 68

3-2-3-2- علل بروز مشكلات كشت پنبه در كشور 73

3-2-3-2-1- علل اقتصادي 73

3-2-3-2-2- رشد بي رويه توليد و واردات الياف مصنوعي 73

3-2-3-2-3- واردات پنيه و الياف پنبه اي 75

3-2-3-2-4- كوچك شدن قطعات زراعي پنبه به ويژه در استان گلستان 75

3-2-3-2-5- عقب نشيني محصول پنبه از اراضي 76

3-2-3-2-6- بالا بودن هزينه برداشت وش توسط كارگر 76

* 1. بررسي توليد و واردات مواد اوليه طي سالهاي 1380-1376 77
	2. آمار و اطلاعات پشم و اهميت آن در ايران 80

منابع

فصل اول:

مقدمه اي بر صنعت نساجي و مشكلات و بحرانهاي مربوط به آن در ايران

**1-1- تاريخچه صنعت نساجي در ايران**

صنعت نساجي در ايران از ديرباز به سبب ضرورت مصرف و كاربرد وسيع آن مورد توجه خاص بوده و در طول تاريخ كشورمان فراز و نشيب هاي فراواني را طي كرده است. در زمان اشكانيان ايرانيان به تحول جديدي دست يافتند و در پرورش كرم ابريشم و توليد پارچه هاي ابريشيمي به طريقي همت گماردند كه اكثريت ابريشم هاي توليد چين را از آن كشور خريداري مي نمودند و جهت توليد پارچه به ايران مي آوردند و پارچه هايي با طرح ها و نقوش بسيار زيبا توليد و به دنيا عرضه مي كردند.

شكوفايي صنعت توليد پارچه هاي مخمل در كاشان و يزد در دوره اشكانيان و عرضه آن به جهان خصوصاً اروپا قسمت ديگري از تاريخ پرشكوه صنعت نساجي ايران است كه صنعتگر ايراني را قانع نكرده و همچنان به دنبال نوآوري و تسخير بازارهاي جهاني بوده است.

اوج صنعت نساجي را در تاريخ ايران زمين، هنرمندان دوره سلجوقي و صفوي رقم زدند و در زمان شاه عباس صفوي توليدات بي نظيري آفريده شد و پارچه هاي زربافت ايراني از شهرت جهاني برخوردار گرديد.

در دوران اخير نيز صنعت نساجي در ايران نقش موثر و تعيين كننده اي در كشور ايفا نموده است. اولين كارخانه نساجي در ايران در سال 1281 شمسي دقيقاً يكصد يك سال پيش به وسيله صنيع الدوله در تهران و دومين كارخانه در سال 1288 توسط شخصي بنام حاج آقا رحيمي در تبريز ايجاد گرديد. در فاصله سالهاي 1300 تا 1320 به سبب سود سرشار دوكارخانه قبلي و تاييدات دولت، به سرعت برشمار كارخانجات در ايران افزوده شد و جمعاً در اين دوره 40 كارخانه نساجي دائر كرديد كه قسمتي از احتياجات مملكت را تامين نمود.

در طي سالهاي 1320 تا 1328 بروز جنگ، افزايش قيمت منسوجات خارجي و كاهش واردات آن موجب رونق بازار محصولات نساجي داخلي شد. صاحبان صنايع نساجي كشور به منظور استفاده حداكثر از اين شرايط، بي آن كه به مسائل نگهداري و استهلاك ماشين آلات توجه نمايند و به توليد خود با ظرفيت بالا ولي با كيفيت پايين ادامه دادند كه حاصل اين بي توجهي در طي سال هاي بعد نيز موجب ركود صنايع نساجي گرديد.

صنعت نساجي در طي سالهاي اخير دچار مشكلات و مسائل بسياري بوده و روزهاي سختي را مي گذراند تا حدي كه اصطلاح بحران براي اين مشكلات رايج شده و در اذهان عمومي و حتي اذهان مديران و مسئولين و دست اندركاران جا افتاده است. اطلاق كلمه بحران به وضعيت موجود به طور اتوماتيك اذهان را از انجام تلاش ها باز مي دارد. مشكلاتي كه در حال حاضر گريبانگير اين صنعت مي باشند از ديدگاه هاي مختلف قابل طبقه بندي و بررسي مي باشند.

يكي از ديدگاه ها نگرش مديريتي به مسائل و مشكلات است. به عبارت ديگر از ديدگاه مديريتي چه تعدادي از اين مشكلات را مي توان با اعمال مديريت صحيح و كارآ منتفي نمود يعني جزء مسائل عادي مديريتي به شمار مي آيند و چه تعدادي را مي توان بحران ناميد كه مي توان با اتخاذ روش ها و سياست هاي مناسب مديريتي حداقل نقش آنها را كم رنگ و كم اثر تر نمود.

با عنايت به اين موضوع كه بحران نيز در هر صنعتي جزء مسائل عادي مديريتي به شمار مي آيد منتها قدري پارامترهاي پيچيده و خارج از كنترل دارد، در واقع گذر از بحران نيز از وظايف مديران است و به هيچ وجه رسيدن به نقطه بحران، نقطه اتمام وظايف و تدابير مديريتي نيست بلكه دقيقاً برعكس نقطه شروع و شدت گرفتن تدابير مديريتي است. اساساً صنايعي در دنيا پايدارتر و قابليت اطمينان بالايي دارند كه از يك بحراني كه به هر دليلي برايشان پيش آمده است عبور كرده و در كوره مشكلات آبديده و روئين تن گشته اند. با تجزيه و تحليل درست و منطقي از مشكلات گريبانگير صنعت نساجي قسمت اعظمي از آنها به عنوان مشكلات عادي و مسائل روزمره مديريتي پذيرفته مي شوند و در مورد آن بخش از مشكلات نيز كه واقعاً بتوان بحران ناميد، ميدان عمل براي هنرنمايي يك مدير باز شده است. سكانداري يك صنعت در شرايط ايستا و ثابت و يا پارامترهاي معين و مشخص در مورد مواد اوليه، فرآيند توليد، بازار و ... هنر نيست و اوج هنر مديريت آنجاست كه صنعتي را از ميان امواج متلاطم تغييرات كه منبعد گريبان هر صنعتي را خواهد گرفت نجات داد.

در آستانه ورود به سده 21 پارامترهاي غيرقابل كنترل بسياري همه صنايع جهان را دستخوش تغيير و تحول اساسي و زلزله هاي ويرانگر قرار خواهد داد و اين خاص كشور ما يا صنعت نساجي نيست.